

ساخت، تحلیل عاملی و هنجاریابی آزمون طلاق عاطفی

فاطمه محمدی^۱

مهناز جوکار کمال‌آبادی^۲

موسی گلستانه^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۰۲

چکیده

هدف این مطالعه ساخت، هنجاریابی و شناسایی عوامل زیربنایی پرسشنامه طلاق عاطفی است. جامعه آماری این تحقیق، شامل مردان و زنان عادی و متقاضی طلاق استان بوشهر بود. حجم گروه نمونه ۱۳۱۲ نفر بود که ۱۰۰۱ نفر گروه عادی و ۳۱۱ نفر گروه متقاضی طلاق بودند. ۵۰۱ پرسشنامه برای تحلیل عاملی اکتشافی و ۵۰۰ عدد برای تحلیل عاملی تأییدی تحلیل شد. گروه نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها همبستگی، تحلیل عاملی اکتشافی، تأییدی و تحلیل واریانس چند متغیره است. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های انریچ فورز و اولسون (۱۹۸۹)، میل به طلاق روزلت و همکاران (۱۹۸۶) و بی‌ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران (۱۹۸۷) است. نتایج به روش تحلیل عاملی اکتشافی ۹ عامل را به عنوان عوامل اصلی طلاق عاطفی شناسایی کرد. همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه میل به طلاق ۰/۵۹ و سطح معناداری $P < ۰/۰۰۱$ و با پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج ۰/۶۲ و سطح معناداری $P < ۰/۰۰۱$ بیانگر روایی همزمان بود. هم‌چنین روایی افتراقی این پرسشنامه با پرسشنامه‌های انریچ فورز، اولسون و همکاران (۱۹۸۹) گرفته شد که حاکی از روایی مناسب آن است. نتایج آلفای کرونباخ کل سوالات ۰/۹۵ به دست آمد. با توجه به ویژگیهای روان‌سنجی مناسب، این آزمون را می‌توان ابزاری مناسب به‌منظور بررسی طلاق عاطفی در مردان و زنان در نظر گرفت که این زمینه‌ساز بررسیهای دقیقتر در حوزه‌های مرتبط است.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، طلاق عاطفی، تحلیل عاملی، هنجاریابی، رواسازی.

۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران ft62049922@gmail.com

۲ - نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران joukar.m@gmail.com

۳ - استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران mgolestaneh@yahoo.com

مقدمه

طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد و برای زنان نسبت به مردان تأثیرات منفی بیشتری دارد. کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در بیشتر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری، طلاق عاطفی و طلاق قانونی (ترکمن، اسکافی، عیدگاهیان و سهرابی، ۱۳۹۳).

طلاق عاطفی، که مرحله قبل از طلاق رسمی است به نوعی جدایی خاموش اطلاق می‌شود که به لحاظ قانونی و شرعی اتفاق نیفتاده است و مرد و زن بنا بر ملاحظاتی و به‌ناچار در زیر یک سقف به‌ظاهر زندگی می‌کنند ولیکن به‌دلیل شدت سردی روابط و عدم تبادل احساسات و عواطف، احساس نارضایتی همراه با ناامیدی دارند (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹).

طلاق عاطفی، فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند؛ هرچند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید، و دیگری با ابراز رفتار مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار کند (گلدنبرگ، ۱۳۹۵).

طلاق عاطفی نوع دیگری از طلاق و پدیده بسیار مهمی است که در هیچ کجا به ثبت نمی‌رسد. این نوع طلاق به خانواده‌هایی مربوط است که به دلایلی مانند سنتهای حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرشهای منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (صفائی راد و وارسته فر، ۱۳۹۲).

در مرحله طلاق عاطفی، زوج به‌طور رسمی هنوز زن و شوهر هستند؛ اما از نظر عاطفی احساس انزوا می‌کنند؛ زیرا تفاوت کمی بین زندگی با همسرشان و تنها زندگی کردن احساس می‌کنند. طلاق عاطفی به دلیل تناقضات گفته‌ها، رفتار و احساسات، یکی از دردناکترین حالتی است که انسان می‌تواند در آن قرار گیرد و این در حالی است که مهمترین ویژگی در ازدواج، که عشق و همراهی است در رابطه وجود ندارد. افرادی که به این نقطه می‌رسند، لزوماً از هم طلاق نمی‌گیرند؛ اما اگر بشدت به دنبال حل اختلاف و در بیشتر موارد کمک حرفه‌ای نباشند، زندگی زناشویی آنها تمام‌شده تلقی می‌شود (گاتمن، ۱۳۸۸).

طلاق عاطفی اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی است که

احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹) و آن را مهمترین عامل از هم گسیختگی خانواده در نظر گرفته‌اند (آزادی، سهامی، قهرمانی و قلی‌پور، ۱۳۸۹). در واقع زندگی برخی زوجین پس از ازدواج با عشق آغاز می‌شود؛ ولی بتدریج آن صمیمیت اولیه از بین می‌رود و زندگیشان دچار یکنواختی و ملال می‌گردد که در نتیجه سبب سوق دادن افراد به استفاده از مواردی چون مشروبات الکلی، پرخوری، سوء استفاده از مواد و روابط نامشروع به‌منظور تجربه دوباره صمیمیت فردی و جنسی می‌شود (گلاسر^۱، ۲۰۰۴).

استرنبرگ^۲ (۱۹۸۶) با توجه به سه بعد مثلث عشق (صمیمیت، تعهد و میل جنسی) هشت نوع عشق را معرفی می‌کند که دو نوع عشق تهی و ابلهانه چون فاقد صمیمیت است، طلاق عاطفی را تبیین می‌کند. چلبی (۱۳۷۵) تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می‌داند. در رابطه اظهاری نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد که اختلال در بعد اظهاری تعامل را می‌توان طلاق عاطفی خواند. مارکس^۳ (۱۹۸۹) زاویه سوم را مطرح می‌کند؛ یعنی اینکه زن و شوهر به افراد دیگر غیر از خودشان می‌پردازند و این باعث جدایی زن و شوهر از یکدیگر می‌شود. مارک نپ^۴ در کل ده مرحله را در روابط افراد جدا می‌کند که مراحل افتراق، محدود کردن، بی‌روح شدن رابطه و پرهیز از یکدیگر را می‌توان مرتبط با طلاق عاطفی خواند. گاتمن^۵ (۱۹۹۳) به چهار ویژگی رفتاری، تحت عنوان چهار اسب‌سوار اشاره کرده است که زندگی مشترک را سرعت به سمت نابودی و طلاق پیش می‌برد. این چهار ویژگی شامل انتقاد، سرزنش، جبهه‌گیری و سکوت است که هر چهار ویژگی در زندگی افراد دچار طلاق عاطفی وجود دارد. بوآنون (۱۹۷۰) شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می‌سازد که اولین مرحله را طلاق عاطفی می‌داند. طبق نظریه انتظارات، هر فردی قبل از ازدواج انتظاراتی از زندگی مشترک دارد و بعد از ازدواج به چیزهایی دست پیدا می‌کند. تفاوت بین این انتظارات قبل و بعد از ازدواج باعث ایجاد ناهنجاریهایی در روابط زن و شوهر می‌شود. طبق نظریه قدرت اگر یکی از زوجین از قدرت بیشتری برخوردار باشد و دیگری تنها متحمل آن شود، شریکی که قدرت کمتری دارد، بیشتر احتمال می‌رود که تصمیم بگیرد که شایستگی‌اش بیشتر از این است و علاقه‌اش به رابطه را کاهش دهد (کاملی، ۱۳۸۶). طبق

1 - Glasser
2 - Sternberg
3 - Marks
4 - Marknapp
5 - Gottman

نظریه منابع، منابع خانواده ممکن است به صورت یکسان و مساوی بین افراد توزیع نشده باشد؛ بنابراین شریکی که به طور قابل توجهی از منابع بیشتری نسبت به دیگری برخوردار است، می‌تواند رابطه را به سمتی هدایت کند و زور بگوید که دوست دارد؛ مثلاً از هزینه‌های ناشی از طلاق کمتر می‌ترسد ولی دیگری به علت ترس از هزینه‌هایی که طلاق به دنبال دارد با همین وضعیت به زندگی خود ادامه می‌دهد. طبق نظریه مبادله، هرکدام از زوجین دارای سرمایه‌ای از قبیل تحصیلات، شغل و قدرت مالی هستند که بر این اساس اگر سود از هزینه کمتر باشد، مبادله زیان‌آور است و باعث ناخشنودی و احتمال به هم خوردن رابطه می‌گردد. طبق نظریه انصاف هر رابطه، زمانی عادلانه است که سود من به هزینه من برابر باشد با سود او به هزینه او. اگر شخصی در مقایسه با طرف مقابل، مشارکت بیشتر و استفاده کمتری داشته باشد، رابطه او با طرف مقابل سرد خواهد شد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱). طبق نظریه تافلر^۱ (۱۹۸۰) صنعتی شدن باعث می‌شود که زن و شوهر بیرون از خانه سرگرم باشند. خستگی ناشی از کار بیرون از خانه، رابطه عاطفی درون خانه را به سردی می‌کشاند. طبق نظریه کارکردگرایی ساختی در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و به خانواده منزوی تبدیل شده است و در عین حال دیگر کارکردهای آن مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیتی، خدماتی، محافظتی و غیره نیز به نهادها و سازمانهای اجتماعی دیگر مانند شرکتها، کارخانه‌ها، مدارس و بیمارستانها واگذار شده است و این روابط عاطفی درون خانواده را کاهش می‌دهد. طبق نظریه بحران ارزشها بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهد و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزشهای اجتماعی خارج می‌شود که بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزشهای خانواده مشاهده کرد و با سست شدن نظام ارزشها بنیاد خانواده سست می‌شود. طبق نظریه اقتصادی، محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجها را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد (صفائی‌راد و وارسته‌فر، ۱۳۹۲). ویسمن (۱۹۷۵) پنج مرحله را برای طلاق پیشنهاد کرد: انکار، فقدان و افسردگی، خشم و تردید، جهتگیری دوباره برای سبک زندگی و هویت، پذیرش یکپارچگی که مراحل فقدان و سرخوردگی و خشم و تردید طلاق عاطفی را در بر می‌گیرد. کسلر^۲ (۱۹۷۵) هفت مرحله را برای طلاق معرفی می‌کند که سرخوردگی بیانگر طلاق عاطفی است. همسران در این مرحله روی جنبه‌های منفی رابطه تمرکز می‌کنند و تفاوتها معلوم

1 - Tafler
2 - Kessler

می‌شود و رویارویی روانی متقابل به زوج اجازه می‌دهد که بین درک واقعی و آرمانی از همسرشان تمایز قائل شوند. با آشکار شدن این تفاوتها اختلافات و سردی روابط شروع می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱)

رزاقی و همکاران (۱۳۸۷)، یک مقیاس ۱۵۰ سؤالی طراحی، و ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاسهای این پرسشنامه را بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۶ گزارش کردند. گاتمن (۱۳۸۸) در یک مقیاس ۲۴ گویه‌ای، پایایی کل مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ نشان داد. روایی صوری این پرسشنامه نیز با نظر متخصصان تأیید شد. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده، و بدین صورت چهار عامل جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری شناسایی شد. مقادیر اشتراک و بار عاملی سؤالات پرسشنامه نیز در دامنه‌ای از ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشت. پورحسین و بی‌دست (۱۳۹۳) در بررسی ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل شهر تهران به طراحی و ساخت آزمون طلاق عاطفی و برآورد درستی آزمایی آن پرداختند. پرسشنامه محقق ساخته آنها دارای ۳۲ سؤال بود که در یک طیف لیکرت از "خیلی زیاد" تا "خیلی کم" طراحی شده بود. اعتبار صوری این مقیاس توسط ۵ نفر از استادان روانشناسی با تجربه در حد زیاد برآورد شد. نتایج تحلیل آماری در مورد داده‌ها نشان داد که آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸۸، است.

در زمینه ساخت پرسشنامه طلاق عاطفی نیز تحقیقاتی انجام گرفته است. از آنجا که هر کدام از نظریه‌ها شامل تعدادی مؤلفه بود با توجه به تعریف طلاق عاطفی، مؤلفه‌های مرتبط با طلاق عاطفی انتخاب، و بر اساس آنها سؤالات ساخته شد.

مؤلفه‌های انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری از نظریه گاتمن (۱۳۸۸).

مؤلفه‌های عدم واکنش عاطفی و عدم آمیزش عاطفی از نظریه مک مستر (۱۹۶۹).

مؤلفه قدرت از نظریه قدرت تای بات و کلی (۱۹۵۹).

مؤلفه منابع و هزینه‌ها از نظریه منابع اسکانزونی و زین کواکز (۱۹۸۰).

مؤلفه‌های فقدان و افسردگی از نظریه ویسمن (۱۹۷۵).

مؤلفه سرخوردگی از نظریه کسلر (۱۹۷۵).

مؤلفه زاویه سوم از نظریه کیفیت زناشویی مارکس (۱۹۸۹)،

مؤلفه محدود کردن از نظریه نپ (۱۹۷۸).

مؤلفه‌های نارضایتی جنسی از نظریه مثلث عشق استرنبرگ (۱۹۸۸) گرفته شده است.

هم‌چنین برای ساخت سؤالات از پرسشنامه‌های طلاق نظیر پرسشنامه زوجی اینریچ، مقیاس حل مشکل خانواده، مقیاس شیوه‌های تعارض در اختلافات زناشویی، پرسشنامه گروه طلاق، پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی و پرسشنامه رضایت جنسی هادسون (۱۹۸۱) استفاده شد. با وجود اهمیت و ضرورت بررسی سازه طلاق عاطفی، بیشتر تحقیقات با پرسشنامه‌های محقق ساخته و پرسشنامه‌هایی بوده است که در مورد تعداد اندکی از افراد هنجاریابی شده، و یا بعضی از این پرسشنامه‌ها هنجاریابی نشده، و فقط روایی صوری و آلفای کرونباخ گرفته شده است. از طرفی هیچ پرسشنامه بومی شده در زمینه طلاق عاطفی ثبت نشده است؛ لذا ساخت ابزاری مناسب، که روی تعداد بیشتری از افراد هنجاریابی شده، و قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد، مورد نیاز است. بنابراین ثبت پرسشنامه هنجاریابی شده با روایی و پایایی مناسب برای در اختیار قرار گرفتن پژوهشگران در سایتهای مختلف مورد نیاز است. هم‌چنین در ساخت این پرسشنامه از پرسشنامه‌های اینریچ فورز و اولسون (۱۹۸۹)، میل به طلاق روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) و بی‌ثباتی ازدواج ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) استفاده، و در تحلیل همبستگی این پرسشنامه‌ها با پرسشنامه ساخته شده گرفته شد و روایی همزمان و افتراقی آن با این پرسشنامه‌ها محاسبه گردید. مسئله‌ای که این پژوهش به دنبال بررسی آن است، تهیه ابزاری مناسب برای سنجش سازه طلاق عاطفی است. شناخت سازه طلاق عاطفی و ابعاد زیربنایی آن مسئله پژوهش دیگری است که محقق را به سمت تهیه ابزاری مناسب سوق داده است که دربرگیرنده همه ملاکهای طلاق عاطفی، و هم‌چنین دارای شواهد روایی و پایایی مطلوب باشد.

روش

پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل عامل است. جامعه آماری تحقیق همه زوجین استان بوشهر هستند که در این تحقیق دو گروه نمونه وجود دارد: مردان و زنان عادی که با مراجعه به بعضی از مناطق مختلف استان (منزل افراد، داخل پارکها، بیمارستانها، مطب پزشکان، محیط‌های کاری) در شهرهای برازجان، خورموج، گناوه و بوشهر انتخاب شدند و مردان و زنانی که برای مشاوره قبل از طلاق به مراکز کاهش طلاق در این شهرها مراجعه کرده بودند. یکی از مسائل مهم در انتخاب نمونه، حجم نمونه است. از آنجا که موضوع پژوهش ساخت و هنجاریابی پرسشنامه است و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی است، نمونه باید از حجم کافی

برخوردار باشد.

ابزارهای پژوهش شامل

پرسشنامه محقق ساخته طلاق عاطفی: برای ساخت این پرسشنامه از نظریه‌های ذکر شده و پرسشنامه‌های مرتبط با موضوع استفاده شد. بعد از ساخت سؤالات برای بررسی روایی محتوایی، سؤالات در اختیار متخصصان روانشناسی قرار گرفت که در این مرحله تعدادی از سؤالات حذف، و بقیه در اختیار گروه نمونه قرار داده شد.

شاخص بی‌ثباتی ازدواج: این پرسشنامه توسط ادواردز، جانسون و آلن بوث (۱۹۸۷) طراحی شده است. ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) یک ابزار ۱۴ سؤالی برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و بویژه مستعد طلاق بودن طراحی کردند. این شاخص اولین بار در سال ۱۹۸۷ در مورد ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و با ۱۵۷۸ از این نمونه در سال ۱۹۸۳ به کار گرفته شد. عملاً هیچ هنجار و یا اطلاعات جمعیت‌نگاری دیگری گزارش نشده است. این شاخص با ضریب آلفای ۰/۹۳ از همسانی درونی عالی برخوردار است. برای تعیین روایی پیش‌بین از گروه نمونه‌ای که در سال ۱۹۸۰ هیچ نشانه‌ای از بی‌ثباتی روانی نشان نداده بودند، فقط ۳ درصد در سال ۱۹۸۳ به ازدواج خود پایان دائمی دادند در حالی که ازدواج اشخاصی که نمره آنها در نهایت مقابل آن بود، ۲۷ درصد یعنی نه برابر گروه اول از هم پاشید. تحقیقات بعدی نشان داد که این شاخص از روایی سازه‌ای خوبی برخوردار است با مقیاسهای مربوط به مشکلات و اختلافهای زناشویی همبستگی مثبت و با مقیاسهای مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی منفی دارد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۹۷ بود.

مقیاس میل به طلاق: این پرسشنامه اولین بار به وسیله روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) طراحی شد. روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶)، مقیاس میل به طلاق را در جهت ارزیابی مردان و زنان مستعد و متمایل به طلاق به کار بردند که دارای ۲۸ گویه و دارای چهار بعد است که هر بعد هفت سؤال دارد. ابعاد تمایل برای خارج شدن (تمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری ابعاد این مقیاس است. هر گویه به وسیله مقیاس درجه‌بندی ۷ تایی (از ۱= هرگز تا ۷= همیشه) نمره‌گذاری شده است. نمره‌های این پرسشنامه با جمع نمره‌های ماده‌ها به دست می‌آید. کمترین و بیشترین نمره‌های اندازه‌گیری تمایل یا عدم تمایل به طلاق است که نمره زیاد حاکی از میزان فراوان تمایل به طلاق در آزمودنیها است. روزلت و همکاران (۱۹۸۶) در

تحلیل آماری این پرسشنامه ضریب آلفا را برای بعد خارج شدن (متماایل به طلاق = $0/91$)، بعد ابراز احساسات ($0/76$)، بعد وفاداری ($0/63$) و بعد مسامحه ($0/86$) گزارش کردند. این پرسشنامه توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (1387) در ایران هنجاریابی، و بر روی 40 زوج اجرا شد که پایایی آن با شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه $0/88$ ($0/89$) برای زنان و $0/87$ برای مردان) به دست آمد و میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاسهای تماایل برای خارج شدن $0/89$ ، ابراز احساسات $0/90$ ، وفاداری $0/86$ و مسامحه $0/72$ به دست آمده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در این پژوهش $0/92$ بود.

پرسشنامه ۴۷ ماده‌ای رضایت زناشویی انریچ^۱: این پرسشنامه توسط اولسون و فورنیر (1989)؛ به نقل از تنایی، (1379) طراحی شده است که به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می‌رود. نسخه اصلی آزمون 115 سؤال دارد که شامل 12 خرده مقیاس است؛ اما سلیمانیان و نوابی‌نژاد (1373) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی" فرم کوتاهی از این پرسشنامه را طراحی کردند که دارای 47 سؤال بود. در این پژوهش (سلیمانیان و نوابی‌نژاد، 1373) ابتدا پرسشنامه ترجمه گردید؛ پس از ترجمه، سؤالات به رؤیت متخصصان روانشناسی، نوابی‌نژاد و نادری رسانده شد و روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد، همبستگی درونی را با روش ضریب آلفا برای فرم کوتاه $0/95$ محاسبه و گزارش کردند. اولسون و فورنیر (1989)، اعتبار فرم 47 سؤالی این پرسشنامه را با استفاده از روش ضریب آلفا 92% گزارش کرده‌اند. در ایران، مهدویان (1376)؛ به نقل از احمدی، (1382) در کار روی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش باز آزمایی به فاصله یک هفته برای مردان $0/93$ و برای زنان $0/94$ و برای مردان و زنان $0/94$ به دست آورد. برای بررسی روایی، مقیاس انریچ با مقیاس سازگاری مردان و زنان (DAS) اسپانیر (1976) مورد مقایسه قرار گرفت و همبستگی معناداری بین آنها مشاهده شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در این پژوهش $0/77$ بود.

شیوه پژوهش بدین صورت بود که بعد از ساخت پرسشنامه و تعیین مناطق مورد نظر، شهرستانهای برازجان، خورموج، گناوه و بوشهر با توجه به حضور افرادی که به محقق در جمع‌آوری اطلاعات می‌توانند کمک کنند، انتخاب شد. محقق در این مناطق حضور یافت و با

ارائه توضیحات کلی در زمینه پژوهش، چگونگی پر کردن پرسشنامه و تأکید بر اهمیت نتایج تحقیق به منظور پاسخگویی دقیق و صادقانه از افراد خواسته شد به سؤالات پرسشنامه پاسخ مناسب بدهند. هم‌چنین توضیح داده شد که محدودیت زمانی وجود ندارد؛ به ذکر نام نیازی نیست ولی مشخصات فردی و سؤالات فرعی در پایین پرسشنامه پر شود و به آنها این اعتماد داده شد که پاسخهای آنها محرمانه باقی خواهد ماند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی، فراوانی و درصد و در بخش آمار استنباطی از روشهای آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای محاسبه ضریب پایایی از روش همبستگی برای روایی همزمان و افتراقی از آزمون بارتلت برای روایی سازه، از آزمون AVE برای روایی همگرا و واگرا از روش تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس برای تعیین کردن عوامل و از تحلیل عامل تأییدی برای تأیید عاملهای پرسشنامه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شده است.

یافته‌ها

به نظر گلیفورد (۱۹۵۴)، حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر است. حجم گروه نمونه عادی در این تحقیق ۱۳۰۰ نفر تعیین شد که در آخر ۱۰۰۱ نفر با میانگین سنی ۳۶ سال و انحراف معیار ۷/۹۲ برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. از این تعداد نصف برای تحلیل عامل اکتشافی و نصف برای تحلیل عامل تأییدی بهره برداری شد که بعد از اجرا ۵۰۱ پرسشنامه برای تحلیل عامل اکتشافی و ۵۰۰ پرسشنامه برای تحلیل عامل تأییدی قابل تحلیل بود. حجم گروه نمونه متقاضی طلاق ۵۰۰ نفر تعیین گردید که بعد از اجرا ۳۱۱ پرسشنامه قابل تحلیل بود. در پژوهش از روشهای نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید. یافته‌های جمعیت‌شناسی در این پژوهش بیان می‌کند که از بین افرادی که پرسشنامه به دست آنها رسیده است، اکثراً مردان با میانگین سنی ۳۶ سال با مدت ازدواج ۱۰/۸ سال و چگونگی آشنایی عموماً سنتی بوده‌اند که حدود ۱/۳ ساعت در شبکه اجتماعی، و دارای شغل آزاد و تحصیلات کارشناسی هستند. در جدول ۱ اطلاعات کامل این توضیحات آورده شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی

جنسیت	مرد		زن		تحصیلات (درصد)	دیپلم	کاردانی	کارشناسی	ارشد و بالاتر
	حدافل	حداکثر	میانگین	%					
	۱۷	۷۳	۳۶	۴۷%		۲۱/۸۰	۱۳/۵۰	۴۶/۵۰	۱۸/۲۰
سن	شغل		آزاد		کارمند				
	حدافل	حداکثر	میانگین	%		۳۶	۷۳	۱۷	۳۸/۷۰
مدت ازدواج	چگونگی آشنایی		سنتی		دوستی		معرفی		
	۱	۴۵	۱۰/۸		۶۲/۵۰	۱۱	۲۶/۵۰		
درخواست طلاق	بله		خیر						
	۳%	۹۷%							

برای کشف عامل‌های پرسشنامه از تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی با چرخش واریماکس (۲۵ چرخش) و بارهای عاملی بیشتر از ۰/۳۰ و با استفاده از نمودار اسکری، ۹ عامل را به عنوان عوامل اصلی طلاق عاطفی شناسایی کرد. در مجموع این ۹ عامل ۵۹/۴۸ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کرد. این عوامل شناسایی شده در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: درصد واریانس تبیین شده، بارهای عاملی و ارزش ویژه هر عامل

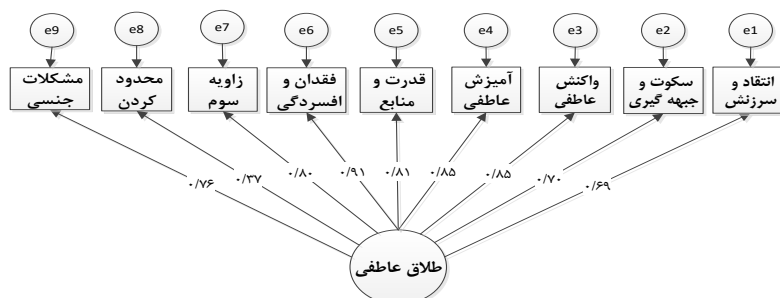
ردیف	مقادیر ویژه اولیه			مقادیر استخراج مربعات			مقادیر بعد از چرخش واریماکس		
	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمیعی	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمیعی	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمیعی
۱	۶۶/۹۰	۴۹/۵۶	۴۹/۵۶	۶۶/۹۰	۴۹/۵۶	۴۹/۵۶	۲۸/۷۶	۲۱/۳۰	۲۱/۳۰
۲	۴/۳۳	۳/۲۰	۵۲/۷۶	۴/۳۳	۳/۲۰	۵۲/۷۶	۱۴/۶۴	۱۰/۷۱	۳۲/۰۱
۳	۳/۱۵	۲/۳۳	۵۵/۰۹	۳/۱۴	۲/۳۳	۵۵/۰۹	۱۰/۸۰	۸	۴۰/۰۱
۴	۳/۱۱	۲/۳۰	۵۷/۳۹	۳/۱۱	۲/۳۰	۵۷/۳۹	۸/۶۹	۶/۴۳	۴۶/۴۴
۵	۲/۵۴	۱/۸۸	۵۹/۲۷	۲/۵۴	۱/۸۸	۵۹/۲۷	۳/۸۰	۲/۸۱	۴۹/۲۵
۶	۲/۲۰	۱/۶۳	۶۰/۹۰	۲/۲۰	۱/۶۳	۶۰/۹۰	۳/۸۰	۲/۸۰	۵۲/۰۵
۷	۲/۰۹	۱/۵۵	۶۲/۴۵	۲/۰۹	۱/۵۵	۶۲/۴۵	۳/۵۰	۲/۶۰	۵۴/۶۵
۸	۱/۷۵	۱/۳۰	۶۳/۷۵	۱/۷۵	۱/۳۰	۶۳/۷۵	۳/۴۴	۲/۵۰	۵۷/۲۰
۹	۱/۵۶	۱/۱۶	۶۴/۹۱	۱/۵۶	۱/۱۶	۶۴/۹۱	۳/۰۸	۲/۲۵	۵۹/۴۸

پس از تحلیل عاملی اکتشافی و معلوم شدن سؤالات پیشنهادی هر عامل، با اجرای تحلیل عاملی تأییدی روی آنها به آزمودن این عوامل پرداخته شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی، بیانگر این است که داده‌های پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری برازش دارد و این امر بیانگر همسو بودن سؤالات با ابعاد مورد نظر است. هم‌چنین برای بررسی تحلیل عاملی تأییدی به صورت سازه پرداخته شد. جدول ۳ شاخصهای مربوط به تحلیل عاملی را نشان می‌دهد:

جدول ۳: تحلیل عاملی تأییدی به صورت CFA

متغیر	کفایت نمونه‌گیری ^۱	معناداری	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده
انتقاد و سرزنش	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۲/۷۲	۶۸/۲۳
سکوت و جبهه‌گیری	۰/۷۵	۰/۰۰۰	۲/۲۵	۵۶/۴۲
عدم واکنش عاطفی	۰/۷۵	۰/۰۰۰	۲/۴۲	۶۰/۶۷
عدم آمیزش عاطفی	۰/۷۹	۰/۰۰۰	۲/۷۴	۶۸/۶۲
مشکلات قدرت و منابع	۰/۷۹	۰/۰۰۰	۲/۶۴	۶۶/۰۴
نبود، افسردگی و سرخوردگی	۰/۸۳	۰/۰۰۰	۲/۹۹	۷۴/۹۶
زاویه سوم	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۲/۸۱	۷۰/۳۱
محدود کردن	۰/۷۲	۰/۰۰۰	۲/۲۷	۵۶/۷۴
مشکلات جنسی	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۳/۰۳	۷۵/۷۹

شاخصهای کلی طلاق عاطفی: برای تأیید کلی عوامل از برازش الگو با نرم‌افزار آموس استفاده شد، جدول ۴ شاخصهای کلی نیکویی برازش و شکل ۱ نیز بارهای عاملی مربوط به طلاق عاطفی را نشان می‌دهد:



شکل ۱: برازش کلی پرسشنامه طلاق عاطفی

نتایج کلی ابعاد طلاق در جدول ۴ خلاصه شده است.

جدول ۴: نتایج کلی ابعاد طلاق عاطفی

بار عاملی	T	متغیر
۰/۶۹	۱۶/۰۳	انتقاد و سرزنش
۰/۷۰	۱۶/۲۳	سکوت و جبهه گیری
۰/۸۵	۲۰/۵۰	عدم واکنش عاطفی
۰/۸۵	۲۰/۵۵	عدم آمیزش عاطفی
۰/۸۱	۱۹/۱۸	مشکلات قدرت و منابع
۰/۹۱	۲۲/۱۲	نبود، افسردگی و سرخوردگی
۰/۸۰	۱۸/۹۶	زاویه سوم
۰/۳۷	۸/۲۷	محدود کردن
۰/۷۶		مشکلات جنسی*

* نبود آماره تی برای مشکلات جنسی به این دلیل است که نرم افزار آموس یکی از متغیرها را به عنوان پایه در نظر می گیرد.

همان گونه که ملاحظه می شود، تمامی ابعاد از بار عاملی قابل قبولی برخوردار بوده و مورد تأیید قرار گرفته است. بعد نبود و افسردگی و سرخوردگی با بار عاملی ۰/۹۱ بیشترین بار و بعد محدود کردن با بار عاملی ۰/۳۷ کمترین بار را دارد. نبود آماره تی برای مشکلات جنسی به این دلیل است که نرم افزار آموس یکی از متغیرها را به عنوان پایه در نظر می گیرد. برای معنادار بودن برازش کلی این الگو و ابعاد آن برخی شاخصهای نیکویی برازش الگو مورد نیاز است که در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: شاخصهای برازش الگوی شاخص مشکلات جنسی

۴/۴۲	کای مربع بهنجار شده ^۱
۰/۹۴	شاخص نیکویی برازش ^۲
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده ^۳
۰/۹۶	شاخص برازش تطبیقی ^۴
۰/۹۶	شاخص برازش هنجار شده ^۵
۰/۹۴	شاخص برازش نسبی ^۶
۰/۹۶	شاخص برازش فزاینده ^۷
۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ^۸

نتایج جدول ۵ نشانگر مورد تأیید بودن تحلیل عاملی شاخص مورد نظر است. چنانچه همبستگی بین آزمونهایی که ویژگیهای متفاوتی را اندازه گیری می کند، کم باشد، پرسشنامه دارای اعتبار تشخیصی یا واگرا است (از کیا، ۱۳۸۲).

برای روایی واگرا باید روابط زیر برقرار باشد (هیر و همکاران^۹، ۲۰۱۰): میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از حداکثر واریانس مربعات به اشتراک گذاشته شده^{۱۰} و میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از میانگین واریانس مربعات به اشتراک گذاشته شده^{۱۱} باشد. برای روایی همگرا با روش میانگین واریانس استخراج شده^{۱۲} باید این روابط برقرار باشد: میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از ۰/۵ و پایایی مرکب^{۱۳} بیشتر از ۰/۷ و پایایی مرکب بیشتر از میانگین واریانس استخراج شده باشد. به منظور محاسبه روایی همگرا، فورنل و لارکر^{۱۴} (۱۹۸۱) استفاده از معیار میانگین واریانس استخراج شده را پیشنهاد کردند. میانگین واریانس استخراج شده اگر روابط زیاد برقرار باشد، شاخصها روایی همگرای مناسبی دارد؛ به این معنی که

-
- 1 - CMIN/DF
 - 2 - GFI
 - 3 - AGFI
 - 4 - CFI
 - 5 - NFI
 - 6 - RFI
 - 7 - IFI
 - 8 - RMSEA
 - 9 - Hair, Black, Babin, & Anderson
 - 10 - Maximum Shared Squared Variance - MSV
 - 11 - Average Shared Square Variance - ASV
 - 12 - Average Variance Extracted - AVE
 - 13 - Composit Reliabiliy - CR
 - 14 - Fornell & Larcker

هر متغیر پنهان می‌تواند بیش از نیمی از واریانس شاخصهای (متغیرهای آشکار) خود را به‌طور متوسط توضیح دهد (هنسلر و همکاران^۱، ۲۰۰۹). مقدار روایی همگرا و واگرایی محاسبه‌شده با میانگین واریانس استخراج‌شده پرسشنامه در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶: روایی همگرا محاسبه‌شده از مقادیر خروجی آموس

شاخص	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج‌شده	میانگین واریانس مربعات به اشتراک گذاشته‌شده	واریانس مربعات به اشتراک گذاشته‌شده
انتقاد و سرزنش	۰/۷۷	۰/۵۸	۰/۰۳	۰/۰۶
سکوت و جبهه‌گیری	۰/۸۰	۰/۵۲	۰/۱۰	۰/۰۳
عدم واکنش عاطفی	۰/۸۳	۰/۵۲	۰/۰۲	۰/۰۲
عدم آمیزش عاطفی	۰/۷۹	۰/۶۰	۰/۰۹	۰/۰۶
مشکلات قدرت و منابع	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۰۷	۰/۱۴
نبود، افسردگی و سرخوردگی	۰/۷۸	۰/۶۶	۰/۱۴	۰/۲۲
زاویه سوم	۰/۷۵	۰/۵۸	۰/۰۶	۰/۰۱
محدود کردن	۱	۰/۵۲	۰/۰۱	۰/۰۱
مشکلات جنسی	۰/۷۸	۰/۶۷	۰/۰۲	۰/۰۲

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین واریانس استخراج‌شده بیشتر از حداکثر واریانس مجذورات به اشتراک گذاشته‌شده^۲ و میانگین واریانس استخراج‌شده بیشتر از میانگین واریانس مربعات به اشتراک گذاشته‌شده^۳ است. بنابراین پرسشنامه از روایی واگرایی مناسبی برخوردار است و از سوی دیگر میانگین واریانس استخراج‌شده بیشتر از ۰/۵ و پایایی مرکب^۴ بیشتر از ۰/۷ و پایایی مرکب بیشتر از میانگین واریانس استخراج‌شده است. بنابراین پرسشنامه از روایی همگرای مناسبی برخوردار است.

برای بررسی روایی افتراقی پرسشنامه طلاق عاطفی با رضایتمندی زناشویی از آزمون همبستگی استفاده شد که ضریب همبستگی به دست آمده برای بررسی این روایی برای پرسشنامه رضایتمندی زناشویی ۰/۲۶- به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود. نتایج این بررسی در

1 - Henseler et al

2 - Maximum Shared Squared Variance - MSV

3 - Average Shared Square Variance - ASV

4 - Composit Reliability - CR

جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: روایی همزمان و افتراقی نسبت به دیگر پرسشنامه‌ها

متغیر	انریج	میل به طلاق	بی‌ثباتی ازدواج
طلاق عاطفی	*-۰/۲۶	*۰/۵۹	*۰/۶۲

* P < ۰/۰۱

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین پرسشنامه طلاق عاطفی و پرسشنامه میل به طلاق و بی‌ثباتی ازدواج مثبت و بیش از ۰/۳ است. هم‌چنین ضریب همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه انریج منفی و کمتر از ۰/۳ است که بیانگر روایی همزمان و افتراقی مناسب این پرسشنامه با دیگر پرسشنامه‌های ذکر شده است.

برای اندازه‌گیری پایایی ابزار سنجش از روش پایایی سازگاری بین سؤالها استفاده شد. این پایایی، نوعی آزمون از سازگاری پاسخهای پاسخ‌دهندگان به همه سؤالها در یک سنجش یا یک پرسشنامه است. در این پژوهش، آزمون پایایی سازگاری درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب انجام شده و مقادیر آن در جدول ۸ آورده شده است که این مقادیر بیانگر زیاد بودن پایایی ابزار سنجش است.

جدول ۸: پایایی پرسشنامه

پایایی مرکب	آلفای کرونباخ	متغیر
۰/۷۷	۰/۸۳	انتقاد و سرزنش
۰/۸۰	۰/۷۴	سکوت و جبهه‌گیری
۰/۸۳	۰/۷۷	واکنش عاطفی
۰/۷۹	۰/۸۳	آمیزش عاطفی
۰/۷۵	۰/۸۲	قدرت و منابع
۰/۷۸	۰/۸۸	نبود و افسردگی و سرخوردگی
۰/۷۵	۰/۸۵	زاویه سوم
۱	۰/۷۳	محدود کردن
۰/۷۸	۰/۸۹	مشکلات جنسی

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی از جمله آسیب‌هایی است که در دهه‌های اخیر نظر بسیاری از روانشناسان و کارشناسان مسائل و موضوعات خانواده را به خود جلب کرده است؛ اما همواره ساخت مقیاسی مناسب به منظور بررسی این موضوع نادیده گرفته شده است. هدف این مطالعه ساخت، اعتبارسنجی و هنجاریابی پرسشنامه طلاق عاطفی است. آزمونهای انجام شده شواهدی برای پایایی و روایی مقیاسهای تعیین‌کننده پرسشنامه طلاق عاطفی ساخته شده بود. مقیاس ساخته شده به شکل لیکرتی پنج درجه‌ای با پیوستار (هرگز تا همیشه) است. در هنجاریابی این پرسشنامه از ۱۰۰۱ آزمودنی استفاده شد که در شهرهای استان بوشهر با میانگین سنی ۳۶ سال در دامنه ۱۷ تا ۷۳ بودند.

در این مطالعه ۱۴ بعد (انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، انتظارات، قدرت و منابع، نبود و افسردگی و سرخوردگی، خشم و تردید، زاویه سوم، محدود کردن، پرهیز از یکدیگر، بی‌روح شدن رابطه، همفکری، همگامی و هم‌بختی مشترک، مشکلات جنسی) استفاده شد که بر اساس نظریه‌ها و پرسشنامه‌های مرتبط گرفته شده است. پرسشنامه در ابتدا با ۱۳۵ سؤال ساخته شد. بر اساس تعریف طلاق عاطفی، نظریه‌هایی که متناسب با تعریف طلاق عاطفی بود، انتخاب شد. از آنجا که هرکدام از نظریه‌ها تعدادی مؤلفه مرتبط داشت، هرکدام از مؤلفه‌ها که تعریف آنها به تعریف طلاق عاطفی نزدیک بود، انتخاب، و بر اساس تعریف این مؤلفه‌ها سؤالهای متناسب با آنها ساخته شد.

بعد از دو مرحله تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی ۳۶ سؤال که دارای بیشترین انسجام بار عاملی بود، انتخاب شد و نیکویی برآزش کلی هم گواه این آزمون است. با تحلیل عاملی اکتشافی ۹ عامل انتخاب، و پس از آن برای تأیید این عوامل و گویه‌های آن از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. این عوامل شامل انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش، قدرت و منابع، نبود و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدود کردن و مشکلات جنسی بود که حاکی از مناسب بودن بارهای عاملی و تأیید گویه‌های تشکیل‌دهنده هر بعد است که این یافته‌ها با پژوهشهای گاتمن (۱۳۸۸)، رزاقی و همکاران (۱۳۸۷)، میرزایی (۱۳۹۳) و پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) همسو است. در ارتباط با نظریه گاتمن از آنجا که برای ساخت سؤالهای پرسشنامه از ویژگیهای رفتاری این نظریه استفاده شده است، نتایج این مطالعه با نتایج گاتمن همسو است. در

پژوهش‌های میرزایی (۱۳۹۳) و پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) تنها به بررسی روایی محتوایی و پایایی پرداخته‌اند و هنجاریابی در مورد آنها صورت نگرفته است.

میانگین ابعاد نشان می‌دهد که به ترتیب ابعاد محدود کردن، سکوت و جبهه‌گیری، آمیزش عاطفی، انتقاد و سرزنش، نبود و افسردگی و سرخوردگی، مشکلات جنسی، واکنش عاطفی، قدرت و منابع و زاویه سوم دارای بیشترین میانگین بود و این یعنی به ترتیب هر کدام بیشترین امتیاز را در طلاق عاطفی داشته‌اند و می‌توان گفت بیشترین اثر را در به وجود آمدن طلاق عاطفی ایجاد کرده‌اند؛ بنابراین در تبیین یافته‌های پژوهش در ارتباط با بعد محدود کردن، که نپ (۱۹۹۲) آن را مرحله‌ای می‌داند که طرفین رابطه، شروع به کاهش دفعات ارتباط و میزان صمیمیت آن می‌کنند، اشتیاق چندانی برای ارتباط از خود نشان نمی‌دهند؛ از صحبت درباره موضوعاتی که به تنش و مشاجره منجر می‌شود پرهیز می‌کنند. از آنجا که رفتارهای این بعد در طلاق عاطفی بسیار رایج است، این بعد در طلاق عاطفی بیشترین میانگین را داراست و میانگین زیاد در نمونه‌های پژوهش بیانگر اهمیت این عامل است. بعد سکوت و جبهه‌گیری و هم‌چنین انتقاد و سرزنش نیز در نظریه گاتمن (۱۹۹۳) عوامل طلاق را تشکیل می‌دهد. انتقاد و سرزنش شامل حمله، سرزنش و یا اتهام به شخصیت طرف مقابل، جریحه‌دار کردن احساسات و بدرفتاری با او است و سکوت یعنی عدم تأیید، فاصله داشتن و خودبینی و جبهه‌گیری شامل نشانه‌هایی چون شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، بهانه آوردن، مخالفت با حدسهای منفی همسر، مبادله شکایتهای کلی، تکرار حرفها، فریاد و ناله کردن و زبان بدن است. این عوامل نیز به نوعی طلاق عاطفی را تبیین می‌کند و لذا در ساخت این مقیاس از اهمیت بسیاری برخوردار است.

زن و شوهر در واکنش عاطفی، واکنشی به هیجانات یکدیگر نشان نمی‌دهند و متوجه خوشحالی و ناراحتی یکدیگر نمی‌شوند و آمیزش عاطفی، مجموعه‌ای از فعالیتهای اعضای خانواده تعریف می‌شود که آن را در علائق، ارزشها و دیگر فعالیتها و اقدامات نشان می‌دهند.

زن و شوهر در بعد زاویه سوم به افرادی دیگر غیر از خودشان می‌پردازند. بعد نبود، افسردگی و سرخوردگی متعاقب زمانی است که بحران روی می‌دهد و همسران مجبورند بپذیرند که ازدواجشان مشکلات جدی دارد. مرحله اول جدایی زوجین از یکدیگر در نظریه کسلر، سرخوردگی از رابطه زناشویی است که با ادامه این روند و مدت‌دار شدن این جدایی عاطفی زوجین احساسات و عواطف نسبت به یکدیگر را انکار، و از وظایف و تعهدات زناشویی نسبت به یکدیگر خودداری می‌کنند.

قدرت و منابع، تأثیر زوجین را بر رابطه زناشویی نشان می‌دهند. قدرت، توانایی یکی از زوجین برای ایجاد تغییرات رفتاری در دیگری و شکل دادن به آن رابطه، و منظور از منابع نیز این است که منابع کمیاب در میان نهادها و بویژه نهاد خانواده به صورت یکسان و مساوی بین افراد توزیع نشده است که این می‌تواند دلیل ایجاد تعارضات و مشکلات میان زوجین باشد. مشکل جنسی نیز بیانگر مشکلات در رابطه جنسی زوجین است که در پژوهش به عنوان یک عامل مشخص شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل آماری، جدولهای مربوط، به منظور بررسی اعتبار مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب همسانی درونی برای کل ابزار ۰/۹۵ بود که نشان‌دهنده پایا بودن پرسشنامه طراحی شده است. از سوی دیگر نتایج برازش تحلیل عامل تأییدی، بیانگر این است که داده‌های پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری برازش دارد و این امر بیانگر همسو بودن سؤالات با ابعاد مورد نظر است.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. ج اول. تهران: انتشارات کیهان.
- آزادی، شهذخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا؛ قلی‌پور، گلناز (۱۳۸۹). ارزیابی عامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران. فصلنامه زن و بهداشت. شماره ۳: ۱۰۳ تا ۱۱۷.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۳: ۱ تا ۲۰.
- پورحسین، رضا؛ بیدست، فهیمه (۱۳۹۳). برآورد درستی آزمایی آزمون طلاق عاطفی. رویش روانشناسی. شماره ۸: ۲۷ تا ۳۸.
- ترکمان، فرح؛ اسکافی، مریم؛ عیدگاهیان، ندا؛ سهرابی، ایرج (۱۳۹۳). همگنی، صمیمیت و طلاق عاطفی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل شبکه. معرفت فرهنگی - اجتماعی. شماره ۶: ۲۵ تا ۵۰.
- ثنائی، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: انتشارات نی.
- ریان، کریستین؛ ای، اپستین؛ ناتان بی، کیتز - ایوان؛ گابور ای، بی شاب؛ میلر، دوآن اس. (۱۳۹۰). خانواده‌درمانی (ارزیابی و درمان خانواده). ترجمه محسن دهقانی و مریم عباسی. تهران: انتشارات رشد.
- سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۹۴). شاخص طلاق. ۱/۶/۱۳۹۴، آدرس سایت: <https://www.sabteahval.ir>

صادقی، سیما؛ قربانی، نیما؛ بهرامی، احسان؛ کیانی، مجتبی (۱۳۹۱). مقایسه اختلالات شخصیت در زوج‌های سازگار و ناسازگار بر اساس SWAP-200. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی. شماره ۲۵: ۸۷ تا ۱۰۳.

صفائی‌راد، سوری؛ وارسته‌فر، افسانه (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران سال ۱۳۹۰. فصلنامه پژوهش اجتماعی. شماره ۲۰: ۸۵ تا ۱۰۶.

فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). ارتباطات انسانی. ج دهم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. کاملی، جواد (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۹: ۱۸۰ تا ۱۹۸.

گاتمن، جان (۱۳۸۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه ارمغان جازایری. تهران: انتشارات خجسته. گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۵). خانواده درمانی. ترجمه حسین شاهی برواتی، حمیدرضا نقشبندی و الهام ارجمندی. تهران: انتشارات راوان.

میرزایی، حصیه (۱۳۹۳). تأثیر طلاق عاطفی بر اختلالات رفتاری کودکان (مطالعه موردی شهرستان روانسر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

هنریان، مسعود؛ یونسی، سید جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران. ماهنامه قضاوت. شماره ۷۰: ۱۲ تا ۱۵.

یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، منصور؛ کشاورز، حمید (۱۳۹۱). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. شماره ۶: ۱۵۹ تا ۱۸۵.

Edwards, N., Johnson, D R., and Booth, A. (1987). come apart: A prognostic insttument of marital breakup. Family relation. 36: 168-170.

Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. Journal Marital and family Therapy. 1: 65-79.

Glasser, W. (2004). Marriage without fail: integration. Stanford: Stanford University Press.

Gottman, J. M. (1993). A Theory of Marital Dissolution and Stability. Journal of Family Psychology. 7: 57-75.

Hair, J., Black, W., Babin, B., & Anderson, R. (2010). Multivariate data analysis. (7th ed.): Prentice-Hall, Inc. Upper Saddle River. USA: NJ

Marks, S. R. (1989). Toward a system theory of marital quality. Journal of Marriage and Family. 51: 15-26.

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements. Journal of Social Psychology. 4(3), 168-184.

پیوست شامل جدولهای هنجار و پرسشنامه

در جدولهای ذیل نمره‌های خام آزمودنیها به نمره‌های Z و T تبدیل، و جدولهای هنجار آزمون تهیه شد.

جدول ۱: هنجار کمی خرده‌مقیاس انتقاد و سرزنش

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۳۶۷	۲۸/۰	۲۸/۰	-۰/۸۷	۴۱/۳	۹	۳۴	۲/۶	۲/۶	۸۱/۱	۰/۹۴
۱	۲۱۵	۱۶/۴	۴۴/۴	-۰/۶۷	۴۳/۳	۱۰	۴۰	۳/۰	۳/۰	۸۴/۱	۱/۱۴
۲	۱۱۶	۸/۸	۵۳/۲	-۰/۴۷	۴۵/۳	۱۱	۳۱	۲/۴	۲/۴	۸۶/۵	۱/۳۴
۳	۸۴	۶/۴	۵۹/۶	-۰/۲۶	۴۷/۴	۱۲	۳۳	۲/۵	۲/۵	۸۹/۰	۱/۵۵
۴	۶۹	۵/۳	۶۴/۹	-۰/۰۶	۴۹/۴	۱۳	۴۲	۳/۲	۳/۲	۹۲/۲	۱/۷۵
۵	۶۱	۴/۶	۶۹/۵	۰/۱۳	۵۱/۳	۱۴	۲۴	۱/۸	۱/۸	۹۴/۱	۱/۹۵
۶	۲۹	۲/۲	۷۱/۷	۰/۳۳	۵۳/۳	۱۵	۱۵	۱/۱	۱/۱	۹۵/۲	۲/۱۵
۷	۴۷	۳/۶	۷۵/۳	۰/۵۴	۵۵/۴	۱۶	۶۳	۴/۸	۴/۸	۱۰۰/۰	۲/۳۵
۸	۴۲	۳/۲	۷۸/۵	۰/۷۴	۵۷/۴	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

جدول ۲: هنجار کمی خرده‌مقیاس سکوت و جبهه‌گیری

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۲۰۹	۱۵/۹	۱۵/۹	-۱/۱۳	۳۸/۷	۹	۴۷	۳/۶	۳/۶	۷۹/۸	۰/۸۲
۱	۱۳۷	۱۰/۴	۲۶/۴	-۰/۹۱	۴۰/۹	۱۰	۴۸	۳/۷	۳/۷	۸۳/۵	۱/۰۴
۲	۱۳۰	۹/۹	۳۶/۳	-۰/۶۹	۴۳/۱	۱۱	۳۹	۳/۰	۳/۰	۸۶/۴	۱/۲۶
۳	۱۱۳	۸/۶	۴۴/۹	-۰/۴۸	۴۵/۲	۱۲	۴۵	۳/۴	۳/۴	۸۹/۹	۱/۴۸
۴	۱۰۹	۸/۳	۵۳/۲	-۰/۲۶	۴۷/۷	۱۳	۴۲	۳/۲	۳/۲	۹۳/۱	۱/۷۰
۵	۱۱۱	۸/۵	۶۱/۷	-۰/۰۴	۴۹/۶	۱۴	۲۱	۱/۶	۱/۶	۹۴/۷	۱/۹۱
۶	۷۹	۶/۰	۶۷/۷	۰/۱۷	۵۱/۷	۱۵	۳۴	۲/۶	۲/۶	۹۷/۳	۲/۱۳
۷	۶۷	۵/۱	۷۲/۸	۰/۳۹	۵۳/۹	۱۶	۳۶	۲/۷	۲/۷	۱۰۰/۰	۲/۳۵
۸	۴۵	۳/۴	۷۶/۲	۰/۶۰	۵۶/۰	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

جدول ۳: هنجار کمی خرده‌مقیاس عدم واکنش عاطفی

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۵۵۷	۴۲/۵	۴۲/۵	-۰/۷۷	۴۲/۳	۹	۲۸	۲/۱	۲/۱	۷۹/۶	۰/۹۳
۱	۱۱۹	۹/۱	۵۱/۵	-۰/۵۸	۴۴/۲	۱۰	۳۳	۲/۵	۲/۵	۸۲/۱	۱/۱۲
۲	۸۹	۶/۸	۵۸/۳	-۰/۳۹	۴۶/۱	۱۱	۳۸	۲/۹	۲/۹	۸۵/۰	۱/۳۱
۳	۶۲	۴/۷	۶۳/۰	-۰/۲۰	۴۸/۰	۱۲	۴۵	۳/۴	۳/۴	۸۸/۴	۱/۵۰
۴	۵۲	۴/۰	۶۷/۰	-۰/۰۱	۴۹/۹	۱۳	۳۴	۲/۶	۲/۶	۹۱/۰	۱/۶۹
۵	۵۳	۴/۰	۷۱/۰	۰/۱۷	۵۱/۷	۱۴	۱۹	۱/۴	۱/۴	۹۲/۵	۱/۸۸
۶	۳۲	۲/۴	۷۳/۵	۰/۳۶	۵۳/۶	۱۵	۲۲	۱/۷	۱/۷	۹۴/۱	۲/۰۷
۷	۳۲	۲/۴	۷۵/۹	۰/۵۵	۵۵/۵	۱۶	۷۷	۵/۹	۵/۹	۱۰۰/۰	۲/۲۶
۸	۲۰	۱/۵	۷۷/۴	۰/۷۴	۵۷/۴	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

جدول ۴: هنجار کمی خرده‌مقیاس عدم آمیزش عاطفی

نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z
۰	۵۰۹	۳۸/۸	۳۸/۸	-۰/۸۳	۹	۲۶	۲/۰	۴۱/۷	۰/۷۹	۷۶/۸	۵۷/۹	۰/۷۹
۱	۱۱۱	۸/۵	۴۷/۳	-۰/۶۵	۱۰	۲۹	۲/۲	۴۳/۵	۰/۹۷	۷۹/۰	۵۹/۷	۰/۹۷
۲	۷۷	۵/۹	۵۳/۱	-۰/۴۷	۱۱	۳۵	۲/۷	۴۵/۳	۱/۱۵	۸۱/۷	۶۱/۵	۱/۱۵
۳	۶۴	۴/۹	۵۸/۰	-۰/۲۹	۱۲	۳۶	۲/۷	۴۷/۱	۱/۳۳	۸۴/۵	۶۳/۳	۱/۳۳
۴	۶۴	۴/۹	۶۲/۹	-۰/۱۱	۱۳	۴۱	۳/۱	۴۸/۹	۱/۵۱	۸۷/۶	۶۵/۱	۱/۵۱
۵	۵۷	۴/۳	۶۷/۲	۰/۰۶	۱۴	۳۲	۲/۴	۵۰/۶	۱/۶۹	۹۰/۰	۶۶/۹	۱/۶۹
۶	۴۲	۳/۲	۷۰/۴	۰/۲۴	۱۵	۴۱	۳/۱	۵۲/۴	۱/۸۷	۹۳/۱	۶۸/۷	۱/۸۷
۷	۲۷	۲/۱	۷۲/۵	۰/۴۲	۱۶	۹۰	۶/۹	۵۴/۲	۲/۰۵	۱۰۰/۰	۷۰/۵	۲/۰۵
۸	۳۱	۲/۴	۷۴/۸	۰/۶۱	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۵۶/۱				

جدول ۵: هنجار کمی خرده‌مقیاس مشکلات قدرت و منابع

نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z
۰	۶۰۹	۴۶/۴	۴۶/۴	-۰/۷۱	۹	۲۵	۱/۹	۴۲/۹	۰/۹۸	۸۱/۱	۵۹/۸	۰/۹۸
۱	۱۴۷	۱۱/۲	۵۷/۶	-۰/۵۲	۱۰	۳۳	۲/۵	۴۴/۸	۱/۱۶	۸۳/۶	۶۱/۶	۱/۱۶
۲	۷۳	۵/۶	۳۲/۲	-۰/۳۳	۱۱	۱۹	۱/۴	۴۶/۷	۱/۳۵	۸۵/۱	۶۳/۵	۱/۳۵
۳	۴۶	۳/۵	۶۶/۷	-۰/۱۵	۱۲	۲۷	۲/۱	۴۸/۵	۱/۵۴	۸۷/۱	۶۵/۴	۱/۵۴
۴	۴۸	۳/۷	۷۰/۴	۰/۰۳	۱۳	۳۵	۲/۷	۵۰/۳	۱/۷۳	۸۹/۸	۶۷/۳	۱/۷۳
۵	۳۱	۲/۴	۷۲/۷	۰/۲۲	۱۴	۲۷	۲/۱	۵۲/۲	۱/۹۲	۹۱/۸	۶۹/۲	۱/۹۲
۶	۲۲	۱/۷	۷۴/۴	۰/۴۱	۱۵	۳۴	۲/۶	۵۴/۱	۲/۱۱	۹۴/۴	۷۱/۱	۲/۱۱
۷	۲۸	۲/۱	۷۶/۵	۰/۶۰	۱۶	۷۳	۵/۶	۵۶/۰	۲/۲۹	۱۰۰/۰	۷۲/۹	۲/۲۹
۸	۳۵	۲/۷	۷۹/۲	۰/۷۹	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۵۷/۹				

جدول ۶: هنجار کمی خرده‌مقیاس فقدان، افسردگی و سرخوردگی

نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	نمره خام	فراوانی	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z	درصد	نمره‌های T	نمره‌های Z
۰	۵۴۶	۴۱/۶	۴۱/۶	-۰/۸۱	۹	۲۷	۲/۱	۴۱/۹	۰/۷۸	۷۵/۶	۵۷/۸	۰/۷۸
۱	۱۰۳	۷/۹	۴۹/۵	-۰/۶۳	۱۰	۲۹	۲/۲	۴۳/۷	۰/۹۶	۷۷/۸	۵۹/۶	۰/۹۶
۲	۸۱	۶/۲	۵۵/۶	-۰/۴۵	۱۱	۴۳	۳/۳	۴۵/۵	۱/۱۳	۸۱/۱	۶۱/۳	۱/۱۳
۳	۵۱	۳/۹	۵۹/۵	-۰/۲۸	۱۲	۴۳	۳/۳	۴۷/۲	۱/۳۱	۸۴/۴	۶۳/۱	۱/۳۱
۴	۵۳	۴/۰	۴۳/۶	-۰/۱۰	۱۳	۳۶	۲/۷	۴۹/۰	۱/۴۹	۸۷/۱	۶۴/۹	۱/۴۹
۵	۴۳	۳/۳	۶۶/۸	۰/۰۷	۱۴	۴۰	۳/۰	۵۰/۷	۱/۶۷	۹۰/۲	۶۶/۷	۱/۶۷
۶	۳۸	۲/۹	۶۹/۷	۰/۲۵	۱۵	۳۸	۲/۹	۵۲/۵	۱/۸۴	۹۳/۱	۶۸/۴	۱/۸۴
۷	۳۰	۲/۳	۷۲/۰	۰/۴۲	۱۶	۹۱	۶/۹	۵۴/۲	۲/۰۲	۱۰۰/۰	۷۰/۲	۲/۰۲
۸	۲۰	۱/۵	۷۳/۶	۰/۶۰	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۵۶/۰				

جدول ۷: هنجار کمی خرده‌مقیاس زاویه سوم

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۷۰۱	۵۳/۴	۵۳/۴	-۰/۶۵	۴۳/۵	۹	۲۶	۲/۰	۲/۰	۱/۱۰	۶۱/۰
۱	۱۰۹	۸/۳	۶۱/۷	-۰/۴۵	۴۵/۵	۱۰	۲۰	۱/۵	۳/۵	۱/۳۰	۶۳/۰
۲	۶۴	۴/۹	۶۶/۶	-۰/۲۶	۴۷/۴	۱۱	۲۴	۱/۸	۴/۳	۱/۴۹	۶۴/۹
۳	۴۳	۳/۳	۶۹/۹	-۰/۰۶	۴۹/۴	۱۲	۳۰	۲/۳	۶/۳	۱/۶۹	۶۶/۹
۴	۴۶	۳/۵	۷۳/۴	۰/۱۲	۵۱/۲	۱۳	۱۴	۱/۱	۹/۳	۱/۸۸	۶۸/۸
۵	۳۳	۲/۵	۷۵/۹	۰/۳۲	۵۳/۲	۱۴	۲۵	۱/۹	۱۱/۳	۲/۰۸	۷۰/۸
۶	۲۶	۲/۰	۷۷/۹	۰/۵۱	۵۵/۱	۱۵	۱۸	۱/۴	۱۲/۳	۲/۲۷	۷۲/۷
۷	۲۵	۱/۰	۷۹/۸	۰/۷۱	۵۷/۱	۱۶	۷۸	۵/۹	۱۳/۳	۲/۴۷	۷۴/۷
۸	۳۰	۲/۳	۸۲/۱	۰/۹۰	۵۹/۰	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

جدول ۸: هنجار کمی خرده‌مقیاس محدود کردن

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۲۰۹	۱۵/۹	۱۵/۹	-۱/۳۸	۳۶/۲	۹	۸۴	۶/۴	۲۲/۴	۰/۵۲	۵۵/۲
۱	۵۶	۴/۳	۲۰/۲	-۱/۱۷	۳۸/۳	۱۰	۹۱	۶/۹	۲۸/۳	۰/۷۴	۵۷/۴
۲	۵۴	۴/۱	۲۴/۳	-۰/۹۶	۴۰/۴	۱۱	۶۸	۵/۲	۳۳/۳	۰/۹۵	۹۵/۵
۳	۸۴	۶/۴	۳۰/۷	-۰/۷۴	۴۲/۶	۱۲	۶۹	۵/۳	۳۶/۳	۱/۱۶	۶۱/۶
۴	۹۵	۷/۲	۳۸/۰	-۰/۵۳	۴۴/۷	۱۳	۴۰	۳/۰	۴۰/۳	۱/۳۸	۶۳/۸
۵	۷۴	۵/۶	۴۳/۶	-۰/۳۲	۴۶/۸	۱۴	۳۰	۲/۳	۴۲/۳	۱/۵۹	۶۵/۹
۶	۸۷	۶/۶	۵۰/۲	-۰/۱۱	۴۸/۹	۱۵	۲۹	۲/۲	۴۴/۳	۱/۸۰	۶۸/۰
۷	۱۰۷	۸/۲	۵۸/۴	۰/۱۰	۵۱/۰	۱۶	۵۲	۴/۰	۴۸/۳	۲/۰۱	۷۰/۱
۸	۸۳	۶/۳	۶۴/۷	۰/۳۱	۵۳/۱	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

جدول ۹: هنجار کمی خرده‌مقیاس مشکلات جنسی

نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T	نمره خام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	نمره‌های Z	نمره‌های T
۰	۶۲۱	۴۷/۳	۴۷/۳	-۰/۷۳	۴۲/۷	۹	۲۷	۲/۱	۲۲/۴	۰/۸۷	۵۸/۷
۱	۱۱۰	۸/۴	۵۵/۷	-۰/۵۵	۴۴/۵	۱۰	۲۷	۲/۱	۲۴/۴	۱/۰۵	۶۰/۵
۲	۷۶	۵/۸	۶۱/۵	-۰/۳۷	۴۶/۳	۱۱	۲۱	۱/۶	۲۶/۴	۱/۲۳	۶۲/۳
۳	۵۳	۴/۰	۶۵/۵	-۰/۱۹	۴۸/۱	۱۲	۵۵	۴/۲	۳۰/۴	۱/۴۱	۶۴/۱
۴	۳۷	۲/۸	۶۸/۴	-۰/۰۱	۴۹/۹	۱۳	۳۴	۲/۶	۳۲/۴	۱/۵۹	۶۵/۹
۵	۲۱	۱/۶	۷۰/۰	۰/۱۵	۵۱/۵	۱۴	۲۱	۱/۶	۳۴/۴	۱/۷۷	۶۷/۷
۶	۳۱	۲/۴	۷۲/۳	۰/۳۳	۵۳/۳	۱۵	۲۴	۱/۸	۳۶/۴	۱/۹۵	۶۹/۵
۷	۲۵	۱/۹	۷۴/۲	۰/۵۱	۵۵/۱	۱۶	۱۰۳	۷/۹	۴۳/۴	۲/۱۳	۷۱/۳
۸	۲۶	۲/۰	۷۶/۲	۰/۶۹	۵۷/۹	مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

پرسشنامه نهایی طلاق عاطفی

ساخت، تحلیل عاملی و هنجاریابی آزمون طلاق عاطفی

عامل	سؤال (طیف ۵ تایی لیکرت: هرگز (۰) تا همیشه (۴))
انتقاد و سرزنش	۱. من / همسرم یکدیگر را مقصر اصلی مشکلات زندگیمان می دانیم.
	۲. من / همسرم با حرفها و رفتارهایمان یکدیگر را تحقیر می کنیم.
	۳. من / همسرم یکدیگر را با زنان/ مردان دیگر مقایسه می کنیم.
	۴. من / همسرم یکدیگر را به تمسخر می گیریم.
لیکرت و جهت گیری	۵. وقتی بحثی در مورد مشکلات زندگیمان شروع می شود، من/همسرم مثل دیوار سکوت می کنیم و این آزاردهنده است.
	۶. وقتی مشکلی پیش می آید، من/ همسرم به جای صحبت کردن با یکدیگر زیر لب غرغر می کنیم.
	۷. من/ همسرم به جای صحبت کردن با یکدیگر در مورد مشکلات و نیازهایمان سکوت می کنیم و با خود کلنجار می رویم.
	۸. من/ همسرم احساساتمان را چه خوب و چه بد برای یکدیگر بیان نمی کنیم.
واکنش عاطفی	۹. من / همسرم در حسرت کسی هستیم که در کنار او احساس صمیمیت داشته باشیم.
	۱۰. خودخواهی های من / همسرم باعث شده است که از هم متنفر شویم.
	۱۱. من/همسرم وقتی با هم کاری انجام می دهیم، احساس می کنیم حوصله هم را نداریم.
	۱۲. اینکه من / همسرم عاشق فرد دیگری شویم، برایمان مهم نیست.
آمیزش عاطفی	۱۳. من / همسرم آنقدرها که دلمان می خواست به هم نزدیک نیستیم.
	۱۴. من / همسرم تمایلی نداریم عاطفمان را به یکدیگر نشان دهیم.
	۱۵. من / همسرم تمایلی به خوشحال کردن یکدیگر نداریم.
	۱۶. حس تنهایی من / همسرم در این زندگی مشترک، آزارمان می دهد.
قدرت و منابع	۱۷. من / همسرم اگر وابستگی اقتصادی به یکدیگر نداشتیم از هم جدا می شدیم.
	۱۸. تواناییها و داراییهای بیشتر من / همسرم نسبت به هم باعث تسلط یکی بر دیگری شده است.
	۱۹. من / همسرم فکر می کنیم با فاصله گرفتن و جدا شدن از یکدیگر چیزهایی که به دست می آوریم، بیشتر از چیزهایی است که از دست می دهیم.
	۲۰. منافع شخصی من / همسرم مانع رسیدنمان به اهداف مشترکمان شده است.
فقدان، افسردگی و سرخوردگی	۲۱. من / همسرم در این زندگی احساس خلأ می کنیم.
	۲۲. من / همسرم در زندگیمان بیشتر بر جنبه های منفی رابطه مان متمرکز هستیم.
	۲۳. من / همسرم نمی توانیم در وضعیت دشوار در زندگی روی یکدیگر حساب کنیم.
	۲۴. من/همسرم احساس می کنیم بین همسر واقعی و آرمانیمان تفاوت های زیادی هست.
زاویه سوم	۲۵. احساس تنهایی من/همسرم در زندگی باعث شده است به ارتباط با فردی از جنس مخالف غیر از یکدیگر فکر کنیم.
	۲۶. من/ همسرم ترجیح می دهیم با هرکسی غیر از یکدیگر باشیم.
	۲۷. من / همسرم در ذهن خودمان یک عشق خیالی ساخته ایم و با خیالشن زندگی می کنیم.
	۲۸. بیشتر نیازهای عاطفی من/همسرم (علاقه، دوست داشتن،...) توسط افرادی غیر از یکدیگر برآورده می شود.
محدود کردن	۲۹. من / همسرم وقتی دچار اختلاف می شویم، سعی می کنیم اختلافمان را نادیده بگیریم.
	۳۰. من / همسرم از صحبت کردن درباره موضوعاتی که به تنش و مشاجره منجر می شود، پرهیز می کنیم.
	۳۱. من / همسرم هنگام ناراحتی با گریز از یکدیگر سعی می کنیم ناراحتی های یکدیگر را کاهش دهیم.
	۳۲. در زندگی مشترک تصمیم گیرنده اصلی من/ همسرم هستیم و دیگری هیچ نقشی در تصمیمها ندارد.
مسائل جنسی	۳۳. من / همسرم از کمک به یکدیگر برای رسیدن به ارضای جنسی، لذت نمی بریم.
	۳۴. من/همسرم به شیوه ای با یکدیگر رابطه جنسی برقرار می کنیم که یکدیگر را آزار می دهد.
	۳۵. گفت و گو در مورد مسائل جنسی برای من / همسرم مشکل است.
	۳۶. من / همسرم از رابطه جنسی مان راضی نیستیم.